

یادی از سید فقیهان

سردبیر

قال رسول الله (ص): فقيه واحد اشد على ابليس من الف عابد: یک فقیه بر ابلیس از هزار عابد، سخت تر و کوبنده تر است.

عالمان، وارثان پیامبران و ناشران حق و حقیقت هستند. فقیهان، حاملان حقایق دین، نگهبانان معارف کتاب مبین و مرزداران حاضریراق، هوشمند و سختکوش اندیشه دینی و اسلامی هستند که راهیان حق را به اهداف الهی رهنمون می‌شوند.

عالمان و متفکران شیعی که «در سایه سار نخل تنومند ثقلین»، با معارف آفتابگون و آموزه‌های سپیدی‌آفرین و حقایق خورشیدوش، قرآنی نبوی و ولوی آشنا گشته‌اند و جان را از زلال چشمه ساران «قرآن و سنت»، سیراب ساخته‌اند، بر اساس سخن جاودانه صادق آل محمد (ع)، مرزداران هوشیار و حاضریراق مرزهای تفکر و اندیشه هستند که خلاءها را می‌شناسند، نیازها را درک می‌کنند، دشمن‌آگاهند و باطل‌ستیز. بدین سان از اینکه «شیطان» و «هم‌پیمانان» او بر ساحت قدسی دین یورش ببرند، جلو می‌گیرند و توطئه‌های حق‌ستیزانه آنان را نقش بر آب می‌کنند و با چهره‌نمایی از «حق و باطل» و روشنگری سره از ناسره و عرضه شایسته مکتب می‌کوشند با ایجاد سدی پولادین و گسترش آگاهی، نگذارند جهل‌گستران و تزویرگرایان با آلوده سازی فضای فکری، «باطل را حق جلوه دهند» و برای ناآگاهان «گندم‌نمایی و جو فروشی» کنند.

بنگرید:

الامام الصادق (ع) فیما رواه الامام العسکری: علماء شیعتنا مُرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضُعاء شیعتنا و عن أن یتسط علیهم ابلیس و شیعتہ النواصب. ألا! فمن

انتصب لذلك من شیعتنا کان أفضل ممن جاهد الروم و... الف الف مرّة لانه یدفع عن ادیان محبینا، وذلك یدفع عن ابدانهم.

امام صادق (ع) به روایت امام عسگری (ع): علمای شیعه، مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفریت‌های او از آنها حمله می‌کنند. آنان سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می‌دارند و از چیره‌شدن ابلیس و پیروان دشمن خوی او برایشان جلوگیری می‌کنند. آگاه باشید، هرکس از شیعه ما خود را به این مرزداری برگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان جهاد کردند، هزار هزار بار بالاتر است، بدان جهت که این مرزدار، از دین دوستان دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کنند.

سلسله منور فقیهان شیعه، راست قامتان جاوید پهنه فقه و فقاقت و بلندهمتان نستوه و تلاشگران خستگی‌ناپذیر آوردگاه «حق و باطل» و آرمان‌گرایان واقع‌نگری هستند که به تفسیر آفتاب می‌پردازند و با تبیین آموزه‌های دین و تشییه مبانی آیین مبین، مسیر حرکت را برای انسان‌های مؤمن هموار می‌سازند تا در چنگال جهل‌گستران گرفتار نیابند و در دامگه گمراهی فرو نغلتند. آنان به راستی وارثان «پیامبران» اند و مگر نه این است که پیامبران به جامعه «حیات» می‌بخشند، حیات الهی - انسانی و آنان را از جهالت که بزرگ‌ترین مرگ‌هاست می‌رهانند. عالمان و فقیهان نیز چنین‌اند. آنان نیز چونان پیامبران با نشر حق و حقیقت و گسترش فضل و فضیلت و ستردن جهل و جهالت، جامعه را به حیات معنوی رهنمون می‌شوند.

تاریخ همواره آوردگاه اندیشه‌ها، مکتب‌ها و میدان اندیشه‌ورزی، تئوری‌پردازی، جریان‌سازی و عرضه افکار بوده و هست. صف‌آرایی «حق و باطل» همیشگی است. «شیاطین» و «مستکبران» که تجلی

فقیه ژرف‌اندیش، عالمی پاکیزه‌خوی، مجتهدی باریک‌نگر و استواراندیش، سیاستمداری معادباور و دنیاگریز، آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، نمونه‌الایی از تبار فقیهان، زاهدان و ارجمندان پاکیزه‌خوی و پیراسته‌جان و برنادل که در ذهن و زبان و بیان و بنان خداجوی بود و حقیقت‌پوی و در عبثیت زندگی حق‌گستر و باطل‌ستیز.

در این سطور اندک که به یمن برگزاری کنگره‌ای در شناخت و شناساندن ابعاد وجودی آن عزیز، بر خامه می‌رود، بی‌گمان نمی‌توان آن فقیه سترگ را بر نمود. ابعاد وجودی آن عالم عامل خداجوی معادباور دنیاگریز، حقاً و انصافاً «بحری است که ننگند اندر کوزه‌ای».

او فقیهی بود بلندهمت؛ از آن جمله «قله‌پویان» که به بلندی‌ها و والایی می‌اندیشند و خود را به عناوین پوچ مشغول نمی‌دارند و زندگی را به چه و چه‌های خردنگرانه نمی‌آیند. از آن‌گونه کسان بود که می‌دانست رسیدن به قله‌ها و نشستن بر جایگاه بلند «دانش و ارجمندی»، پنجه در پنجه دشواری‌ها انداختن و از صحنه‌های هول‌انگیز نهراسیدن را می‌طلبید و از این‌روی در بیان‌ش و بنانش جاری بود که: بلوغ‌الامال برکوب‌الاهوال.

زندگی او نشانگر این حقیقت است و اندیشیدن در فراز و فرود حیات آموزشی و علمی و استادی و فقهتی آن چهره منور، بهترین دلیل این حقیقت‌نگرشی بدین سان بلند، چشم‌اندازی فراخ و آرمانی والا و سختکوشی می‌خواهد و پشتکار خستگی‌ناپذیری می‌طلبید و استوارگامی. به این خاطر لطیف از عالمی بزرگ که می‌تواند گوشه‌ای از این خستگی‌ناپذیری را رقم زند بنگریم:

خدمت آقا سیدمحمدکاظم یزدی بودم. دوات بزرگی در مقابل وی بود. رو به پسرش سید محمود کرد و گفت سید محمود این دوات را پراز مرکب کن. گفت: آقا من دیروز عصر این دوات را مرکب کردم. با لهجه غلیظ یزدی فرمودند:

- چه کنم محمود! محمدکاظم مرض نوشتن دره (علی ابوالحسنی منذر؛ فراتر از روش، آزمون و خطا؛ ص ۱۵۷)

پیش‌تر آوردیم که زندگی آوردگاه همواره و پایان‌ناپذیر رویارویی «حق و باطل» است. در این هنگامه سترگ - به ویژه کسانی مسئولیت هدایت جامعه را بدوش دارند - باید زمان شناس باشند و آگاه از جاری‌های زمان. از تیزهوشی و باریک‌نگری برخوردار باشند، بدان سان که اگر همگان «ابرو را می‌بینند»، او «اشارت‌های ابرو» را ردیابد و اگر کسان بسیاری در چشم‌نوازی «مو» مانده‌اند، او از ظاهر بگذرد و به «پیچش مو» درنگرد. دشمن را بشناسد، توطئه‌هایش را دریابد، بداند که شاید در این «شربت‌گوارایی» که فرمایش آورده است، «شرنگ» جگرسوز عزت برپاده‌ی نهفته باشد و سید چنین بود

اندیشه شیطانی هستند، زورمداران، زراندوزان و تزویرگرایان، همواره می‌کوشند تا مگر تالو حق را بزداوند و پرتوافکنی حق را جلو گیرند در چنین هنگامه شگرف و میدان گسترده، این فقیهان، عالمان و مفسران هستند که با ژرف‌اندیشی و برنادلی و غیرت دینی در جهت حمایت از اندیشه دینی و تفسیر شایسته و بایسته مکتب و حضور هوشمندانه در میدان، از بام تا شام می‌کوشند و چشمه‌ساران زلال اندیشه را به سرزمین تفتیده جستجوگران حق می‌گسترانند، جهل را می‌زدایند و از اینکه باطل دامن گسترده، جلو می‌گیرند. آگاهی را می‌گسترانند تا در تاریک‌زار یخزده زندگی انسان‌های افتاده در کمند، نور و نشور بیاورند. مرگ حقیقی و عزت شکن (= جهل) را بزداوند و حیات طیبه را که زندگی آمیخته با ایمان، خردورزی و آگاهی است رقم زنند. بازهم به آموزه‌ی والای معصومان بنگریم:

الامام الجواد(ع): یا اخی! ان الله عزوجل، جعل فی کل من الرسل بقایا من اهل العلم، یدعون من ضلّ الی الهدی، و یصبرون معهم علی الاذی، یجیبون داعی الله، و یدعون الی الله، فأبصرهم! - رحمک الله - فانهم فی منزله رفیعة، وان اصابتهم فی الدنیا وضیعة؛ انهم یحیون بکتائبه الموتی، و یصبرون بنورالله من العمی، کم من قلیل لایلیس قد احویه، و کم من تائه ضال قد هدوه، یبذلون دماءهم دون هلكة العباد. و ما احسن اثرهم علی العباد، واقبح آثار العباد علیهم.

امام جواد(ع): ای برادر! خدای متعال در (امت) هریک از پیامبران، تنی چند از عالمان قرار داد تا گمراهان را به راه آورند و با مردم در تحمل آزاد مخالفان همراه باشند و فریادگر الهی را پاسخ گویند و مردمان را به خدا بخوانند. پس - خدا تو را رحمت کند - خوب به ایشان بنگر و (آنان را بشناس) که جایگاهی بلند دارند، با اینکه کیفیت زندگی دنیایی آنان ناچیز است. ایشان با کتاب خدا مردگان را زنده می‌کنند و با روشنی خدایی کوران را بینا می‌سازند؛ چه بسیار کشته‌های ابلیس که به دست ایشان زنده شده و چه بسیار گمراهان و سرگردانان که به وسیله ایشان راه یافته‌اند. آنان خون خود را برای جلوگیری از هلاک بندگان می‌دهند. اثر ایشان در بندگان چه نیکو است و آثار بندگان بر ایشان چه زشت!

اکنون و از سر تأمل بنگرید که «حضرت جواد(ع)» چگونه «گمراهی» و «راه‌نشناختگی» را مرگ و نابینایی تلقی کرده است و از سوی دیگر هدایت انسان به صراط مستقیم و رهاندن مردمان از کمند شیطان صفتان و ابلیس‌مندان و تیره‌جانان را «حیات و بینایی» دانسته است. آنچه آوردیم و سخن در این زمینه بسیار درازدامن تواند بود، به یمن یادی است و «ذکر جمیلی» از فقیهی بلند پایه، عالمی بزرگ و متفکری اثرگذار که در مقابل توطئه دشمنان، چونان «سد سکندر» بود و در برابر طالب عالمان و فرودستان «خاکساری خدایین».

و در گسترده فروع فقهی کم نظیر است و مولف در حسن سلیقه، گزینش و شیوه پردازش، چیرگی عظیمی داشته است؛ اما این همه بخشی از عوامل حضور گسترده این کتاب است و نه همه آن. اخلاص، پیراسته جانی، خدانگری و برای خدا حکم زدن است که این کتاب «دستاویزی استوار» برای فقیهان شده است، سفره‌ای بس گسترده و چشمه‌ساری زلال و همه‌جوشان که صدها فقیه را به هدف رساند و عطش فقیهانه‌شان نشانده است. باری رسیدن به قله‌های شرف، رادی، پاک، و نیکی جز با اخلاص و یکتانگری فراچنگ نخواهد آمد. بنگریم که پیشوای «مخلصان» و جلوه‌والای «مخلصان» امیرمؤمنان می‌فرماید:

من اخلاص بلغ الامال؛ آنکه اخلاص پیشتر کند، آرمان‌ها و آرزوها را فراچنگ آورد. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۱).

و فرمود: اخلاص تنل؛ برای دستیابی به پاداش، اخلاص پیشه کن (غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۷۲)

اما روشن است که دستیابی به جایگاهی چنین بلند و قله‌ای بدین سان افراشته، نیازمند نگاهی است فراخ و همتی بلند و پیراستگی از همه وابستگی‌ها تا کبوتر سیدبال جان تا فراسوی «علقه‌ها و علاقه‌ها» به پرواز درآید و در «وادی ایمن خلوص» بنشیند. در این رهنمود ارجمند آن سید فقیهان تأمل کنید: من أنفس الاخلاق قطع العلقه عن الاعلاق

سید خود چنین بود. «یکی» را می‌دید و نه «بیشتر». برای «او» می‌نوشت و نه جز آن و چنین‌اند و بودند بزرگان، قله‌پویان، فقیهان، عالمان، مریبان و پاکیزه‌خویان پیراسته دل، ژرف‌اندیشان استواراندیش، راست‌قامتان پولادین گام، معادباوران کوه‌وش و آخرت‌اندیشان دنیاگریز و سید ما یکی از برترین مصادیق اینهمه.

و اکنون بر طالب علمان و جستجوگران دانش است که ره چنان روند که این ره‌آشنایان دیان و قدسیان رفتند و نه فلمثل هذا فلیعمل العاملون.

سلام بر پدیدآورنده «برترین و استوارترین دستاویز فقه و فقاہت، سید استادان و فقیهان آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی. سلام بر جان پاک، خوی پاکیزه و قلب‌آکنده از عشق‌الاهی او».

و فرجامین سخن سپاس است از خداوند کارساز بنده‌نواز که توفیق را رفیق ساخت تا بنیان «آینه پژوهش» برای عرض ادبی، گرچه بسیار خُرد، به پیشگاه فقه و فقاہت و دانش و فضیلت، این شماره را چونان «یادنامه‌ای» برای یاد و نام بلند او فراز آورند و به همه فاضلانی که با قدمی و قلمی به این مجموعه یاری رساندند و کوشندگان این «کنگره» که برای تکریم دانش، پژوهش علم و عالمان این بنای رفیع را رقم زدند، دست‌مریزاد گویند و توفیق همگان را از خداوند منان خواستار شوند.

والله من وراء القصد

که توانست در ظاهر عرضه احترام‌آمیز یولی کلان از سوی انگلستان با عنوان وصیت «شیعه» رحلت‌کرده که اموالش را به «ملکه» انگلیس سپرده است تا به پیشوای شیعیان برساند و او به نیازمندان شیعه، هوشمندانه دست توطئه را بخواند و بگوید:

«شیعیان احتیاجی به آن مال و پول ندارند. به ملکه بگویند آن را به پاپ رهبر خودشان بدهد تا بین مسیحیان و کشیشان تقسیم کنند! (علی ابوالحسنی منذر؛ فراتراز روش، آزمون و خطا، ص ۲۵۵ و نیز بنگرید به ص ۲۴۴ به بعد)

انبوهی از نامه‌ها، مکتوبات، فتاوی درباره امور جاری آن زمان به ویژه مسائل اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که «سید فقیهان» چگونه بر جاری‌های زمان اشراف داشته و از پس جریان‌ها اعماق حوادث را می‌خوانده است.

از اندیشه ژرف، فقاہت ارجمند، اشراف او به ابعاد گسترده فقه، تأملات شگرف فقهی و اصولی، عبودیت و خاکساری در پیشگاه خداوند، تسلیم و توکل، تحمل فقر و ناداری به هنگام تحصیل، غیرت دینی و سوز حق‌مداری و دین‌گرایی، زهد و دنیاگریزی، همت بلند و والا، مردم‌گرایی و حمایت از مظلومان، پارسایی و روشن‌اندیشی، شاگردپروری و دانش‌گستری، توجه به شکوه و شوکت دین و جامعه دینی آن بزرگوار در این فرصت اندک نمی‌شود، سخن به میان آورد.

خوشبختانه اثر ارجمند زنده‌یاد علی ابوالحسنی «منذر»، مورخ سختکوش غیرتمند در این باب خواندنی، تنبه‌آفرین و شایسته بهره‌گیری است (فواتر از روش، آزمون و خطا؛ زمان و کارنامه آیت‌الله العظمی آقا سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه). اما در این نگاه گذرا و ارزیابی شتابزده و در پایان سخن از یک حقیقت سترگ نمی‌توانم سخن نگویم:

اخلاص:

زندگی را از یاد خدا آکندن، کار و تلاش را برای خدا و در جهت خدا و با درونمایه‌الاهی رقم زدن، در فرآیند شکل‌گیری آثار و کار و نیز در برآیند آن فقط و فقط خدا را در نظر گرفتن، کاری است کارستان؛ اما اگر شکل گیرد و در عینیت زندگی تحقق یابد، آن‌گاه بلندآوازی دستیابی به هدف لازمه آن خواهد بود. به پندار این بنده در گسترده‌ی «ذکر جمیل» برخی از آثار افزون بر دانستن امتیازها و بایستگی‌ها، پشتوانه اخلاص مهم‌ترین عامل نشستن آثار بر جایگاهی بلند و دست‌یافتن کارها به اهداف است.

یکی بنگریم که به مثل این همه حضور، بلندآوازی، جایگاه و پایگاه «مفاتیح الجنان»، نتیجه روشنی از «اخلاص» است که در ذهن و زبان و جان و ضمیر محدث امین و مورخ صادق، حاج شیخ عباس قمی بوده است. باری «عروة الوثقی» بیانی شیوا، تعبیرهایی رسا، عباراتی روان دارد